

مبانی ممنوعیت نقض حریم خصوصی در حقوق ایران و آمریکا

فضل الله فروغی* محمدناصر برجی** جواد مصلحی***

چکیده

با توجه به اینکه نظام حقوقی ایران منبعث از احکام فقهی است، مبانی حمایت از حریم خصوصی را می‌توان در فقه اسلام جست و جو کرد. حق بر حریم خصوصی در نظام اسلامی با مبانی مستحکمی از جمله لزوم رعایت کرامت انسانی و جلوگیری از عادی شدن و شیوع بدی‌ها و قواعدی از جمله قاعده احترام مال مردم، قاعده تسلیط، اصالة الصحة و اصالة الاباحه مورد حمایت قرار گرفته است تا فضای لازم جهت رشد و شکوفایی استعدادهای افراد را فراهم سازد. در کشور مدعی سردمداری حقوق بشر؛ یعنی ایالات متحده آمریکا نیز اگرچه این حق با مبانی‌ای از جمله حقوق بشر، لیبرالیسم، ارزش‌های اخلاقی و محدود کردن مداخلات دولت، مورد حمایت قرار گرفته است اما این مبانی تقریباً به فراموشی سپرده شده و حادثه یازدهم سپتامبر سال ۲۰۰۱ زمینه‌ای شد که سردمداران این کشور با تصویب برخی قوانین و به بهانه تقویت امنیت پایدار در برابر تروریسم، موارد جواز نقض حریم خصوصی افراد را به طور غیرقابل قبولی توسعه دهند.

واژه‌های کلیدی: حریم خصوصی، مبانی، ممنوعیت تجسس، حقوق ایران و آمریکا.

Foroughi@shirazu.ac.ir

* استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول)

Shahab_6971@yahoo.com

** دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه شیراز

j.moslehi@stu.umz.ac.ir

*** دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه مازندران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۴/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۲/۱۲

۱. مقدمه

حق رعایت و احترام به زندگی خصوصی یکی از آزادی‌های بنیادین محسوب می‌شود که از مفاهیم نظام‌های حقوقی توسعه‌یافته است و با کرامت انسان‌ها نیز ارتباطی نزدیک دارد. بنابراین پشتیبانی و حمایت از شخصیت افراد، نیازمند حمایت از حریم خصوصی اوست. از لحاظ سابقه تاریخی این حریم باید گفت که تحقیقات و مطالعات مردم‌شناسی نشان می‌دهد در تمام جوامع و در تمام زمان‌ها و دوره‌ها، حتی در جوامع ابتدایی، قواعد اجتماعی وجود داشته که ورود به اماکن خاصی را محدود می‌کرده و حضور در اماکن معینی را ممنوع می‌دانسته است (شهری باف، ۱۳۷۸: ۲۷۶). اما رعایت حریم خصوصی در همه کشورها همیشه به یک شکل نبوده و بسته به معیارهایی از جمله نظام سیاسی حاکم، باورها و اعتقادات مذهبی مردم و . . . در جوامع مختلف و در طول زمان‌ها متفاوت بوده است. با نگاهی به وضعیت حریم خصوصی در ایران مشخص می‌گردد که این حریم در ایران در گذشته بیشتر جنبه عرفی داشته و افراد در مناسبات اجتماعی خود احترام آن را حفظ می‌کردند. به نوعی می‌توان گفت که «بد» انگاشتن نقض مصادیق مختلف حریم خصوصی در میان مردم جامعه، ضامن این حریم بوده است.

اما علاوه بر عرف، مذهب نیز بر اهمیت آن تأکیدات فراوانی نموده است. در منابع اسلامی نظیر قرآن، سنت و اجماع، احکام متعددی درباره وجوه مختلف حریم خصوصی وجود دارد. البته، اصطلاح حریم خصوصی در آیات قرآن و در روایات اسلامی استعمال نشده است و موضع اسلام در مواجهه با حریم خصوصی، موضعی به اصطلاح تحویل‌گرایانه است (انصاری، ۱۳۸۳: ۱۲)؛ بدین صورت که دین مبین اسلام، از طریق ممنوع نمودن نقض مصادیق مختلف حریم خصوصی، نقض حریم خصوصی را ممنوع می‌نماید؛ یعنی حریم خصوصی، در قالب احاله به حقوق و آزادی‌های دیگر نظیر حق مالکیت، منع تجسس، اصل برائت، منع سوءظن و اشاعه فحشا و سب و هجو، قذف، سخن‌چینی و غیبت و خیانت در امانت مطرح شده است.

برای مثال در آیه ۲۸ سوره مبارکه نور آمده است:

«فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّىٰ يُؤْذَنَ لَكُمْ وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكَىٰ لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ».

و اگر کسی در منزل نبود وارد نشوید تا اینکه به شما اجازه ورود دهند و اگر به شما گفته شد برگردید پس برگردید و این برای شما پاکیزه‌تر است.

همچنین در آیه ۱۲ سوره حجرات آمده است:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ»

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بسیاری از گمان‌ها را اجتناب کنید؛ زیرا بعضی از گمان‌ها گناه است و تجسس نکنید و برخی از شما غیبت بعضی دیگر را نکنند آیا یکی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده اش را بخورد؟

سنت پیامبر اکرم (ص) وائمه اطهار و سیره مسلمانان نیز سرشار از توصیه‌هایی در پرهیز از نقض مصادیق مختلف حریم خصوصی است. امام صادق در رابطه با منع از تجسس و تفتیش فرموده‌اند: «از دین مردم تفتیش مکن که بدون دوست می‌مانی» (کلینی، ۱۳۶۵: ۶۵۲).

امام خمینی (ره) بنیان‌گذار انقلاب اسلامی ایران نیز در بندهای ۴، ۵ و ۶ فرمان هشت ماده‌ای خود ممنوعیت ورود به حریم خصوصی اشخاص را اعلام می‌دارد. ایشان در بند ۶ این فرمان می‌فرمایند:

«هیچ‌کس حق ندارد به خانه یا مغازه و یا محل کار شخصی کسی بدون اذن صاحب آن‌ها وارد شود یا کسی را جلب کند، یا به نام کشف جرم یا ارتکاب گناه تعقیب و مراقبت نماید، و یا نسبت به فردی اهانت نموده و اعمال غیر انسانی - اسلامی مرتکب شود، یا به تلفن یا نوار ضبط صوت دیگری به نام کشف جرم یا کشف مرکز گناه گوش کند، و یا برای کشف گناه و جرم هر چند گناه بزرگ باشد، شنود بگذارد و یا دنبال اسرار مردم باشد، و تجسس از گناهان غیر نماید و . . .». با توجه به مطالب

فوق می‌توان نتیجه گرفت که جایگاه و اهمیت حریم خصوصی در نظام حقوقی اسلامی به صورت جدی مورد توجه واقع شده و مصادیق مختلف آن مورد حمایت قرار گرفته است.

اما در قوانین موضوعه ایران، متأسفانه حریم خصوصی و حق بر حریم خصوصی به صورت مشخص، دقیق و مدون، مورد حمایت واقع نشده و موضع حقوق موضوعه‌ی ایران، همانند موضع نظام اسلامی، در مواجهه با حریم خصوصی، یک موضع تحویل‌گرایانه است و حقوق و آزادی‌هایی که تحت عنوان حریم خصوصی حمایت می‌شوند به طور ضمنی و در بطن سایر قواعد حقوقی ایران و در قالب احاله به حقوق و آزادی‌های دیگر مورد حمایت قرار گرفته‌اند. اما با نگرش به قانون اساسی و سایر قوانین موضوعه نظیر قانون مدنی، قانون آیین دادرسی کیفری، قانون مجازات اسلامی و... گوشه‌هایی از مصادیق مختلف حریم خصوصی وجود داشته که می‌توان با استفاده از مفاهیم آن حدود و چارچوب حریم خصوصی را تقریباً روشن ساخت.

اما گذشته از ایران، در کشور مدعی سردمداری حقوق بشر؛ یعنی ایالات متحده‌ی آمریکا نیز تاریخچه‌ای قوی و طولانی در حمایت از حریم خصوصی دارد، به گونه‌ای که نهاد قانون‌گذاری مبتکر و فعال این کشور در این موضوع شناخته شده است. هرچند در ابتدا در قانون اساسی این کشور هیچ مقررّه‌ای که به طور مستقیم از حریم خصوصی حمایت کند دیده نمی‌شد، این نقیصه در اصلاحیه چهارم این قانون به موجب پرونده «کنز» علیه دولت^۱ در سال ۱۹۶۷ برطرف گشت (هارپر^۲، ۲۰۰۸: ۱۳۸۲). مصادیق حریم خصوصی که در این قانون مورد حمایت قرار گرفته، شامل تجاوز بر حق تنهایی اشخاص، تصاحب نام و شکل و شمایل آن‌ها و ورود غیر مجاز به زندگی افراد و اعلان آن نزد عموم است.

قانون حریم خصوصی^۳ ۱۹۷۴ که از حریم خصوصی مقامات و نهادهای عمومی حمایت می‌کند؛ قانون حریم خصوصی ارتباطات الکترونیکی^۴ ۱۹۸۶ که به جرم‌انگاری شنود تلفنی غیرمجاز می‌پردازد؛ قانون حمایت از حریم خصوصی رانندگان^۵ ۱۹۹۴ که در خصوص خرید و فروش وسایل نقلیه موتوری مواردی چون شماره تلفن، آدرس و اطلاعات پزشکی و شخصی را جزء حریم خصوصی دانسته و نقض آن را مستوجب

مجازات می‌داند؛ قانون حمایت از حریم خصوصی اطفال در ارتباطات اینترنتی ۲۰۰۰^۶ که رضایت والدین اطفال زیر ۱۳ سال را در خصوص دستیابی به اطلاعات ناظر بر ارتباطات اینترنتی این اشخاص لازم می‌داند، همه مقررات فدرال هستند که در مقام حمایت از حریم خصوصی به تصویب رسیده‌اند. علاوه بر قوانین فدرال مذکور در بالا، مقرره‌های متعدّد دیگری در سطح ایالات در خصوص حمایت از حریم خصوصی وجود دارد که از ایالتی به ایالت دیگر متفاوت و حتی برخی اوقات متعارض است (شوارتز و سولوو^۷، ۲۰۱۲: ۳) که جهت جلوگیری از اطاله کلام به آن‌ها نمی‌پردازیم.

البته لازم به ذکر است، این مقررات به موجب «توافق‌نامه بندر امن»^۸ بین اتحادیه اروپا و ایالات متّحده در سال ۱۹۹۸ و سپس حادثه ۱۱ سپتامبر و تصویب قانون میهن پرستی در سال ۲۰۰۲^۹ تحدید گشته است؛ از جمله اینکه نقض حریم خصوصی در مقتضیات و مسائل امنیتی کشوری و مداخلات مقامات اجرایی در مواردی جایز شمرده می‌شود. در بخش هجدهم قانون میهن‌پرستی آمده است که رئیس جمهور برای حفاظت از ایالات متّحده آمریکا اقدامات لازم را انجام داده و به این منظور برای ارتکاب اعمالی چون مداخله در حریم خصوصی افراد، تفتیش و شنود مکالمات تلفنی نیازی به مجوز دادگاه ندارد (کونانی و دیگران، ۲۰۱۳: ۲۰). قانون‌گذار آمریکا در دهه پیش در شرایطی این رویکرد را اتخاذ کرده که فناوری، روز به روز در حال توسعه است و لوازم نقض حریم خصوصی هرچه می‌گذرد، تسهیل می‌گردد. بدین دلیل است که قانون‌گذاران برخی کشورها^{۱۰} همچون مکزیک، کره جنوبی، کلمبیا، هند و تایوان در چند سال اخیر برخلاف سیاست فعلی حاکم بر آمریکا، به تدوین و تصویب قوانینی جهت حمایت هرچه بیشتر از حریم خصوصی پرداخته‌اند (سوتو^{۱۱}، ۲۰۱۲: ۶).

با توجه به این شرایط، و با توجه به تهدیدات جدی‌ای که حریم خصوصی اشخاص را بیش از پیش تهدید می‌نماید، برای حمایت هرچه بیشتر از حریم خصوصی باید مبانی آن مشخص گردد؛ چراکه تا مبانی حریم خصوصی مشخص نگردد، نمی‌توان انتظار حمایت کامل از آن را داشت. همچنین برای بررسی مبانی حریم خصوصی نیازمند آگاهی از مفهوم آن هستیم؛ زیرا که حمایت از یک امر به طور کامل زمانی میسر است که مفهوم آن روشن و دامنه شمول آن مشخص گردد. لذا در ابتدا مفهوم حریم

خصوصی را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم، سپس تعریفی جامع و مانع از حریم خصوصی ارائه و سپس به بررسی مبانی آن در ایران و ایالات متحده آمریکا خواهیم پرداخت.

۲. مفهوم حریم خصوصی

مفاهیم ابزار تحلیل علمی هستند؛ ابزاری که با آن می‌اندیشیم، نقد می‌کنیم، توضیح می‌دهیم و تحلیل می‌کنیم. تصرف صرف در جهان خارج، معرفتی درباره آن به ما نمی‌دهد. برای آنکه جهان برای ما واجد معنا باشد باید به یک مفهوم، معنایی را تحمیل کنیم و این ضرورت از راه ایجاد مفاهیم میسر می‌شود (صادقی، ۱۳۸۴: ۱۹). مفاهیم به ما کمک می‌کند تا مصادیق را طبقه‌بندی و مبانی آن را شناسایی کنیم. برای مطالعه و بررسی مبانی ممنوعیت نقض حریم خصوصی در هر کشور و نظام حقوقی، حفظ تعریف آن و توجه به مفهوم اصطلاحی آن از امور لازم و در عین حال راه‌گشا است و غفلت از این امر، می‌تواند بحث را از محل نزاع خارج سازد.

بحث از حریم اولین بار در فقه و سپس کتاب‌های حقوقی مسلمانان مطرح شد. حریم در اصل واژه‌ای عربی و از ریشه ((حرم)) و به معنای منع و تشدید است (اسکندری، ۱۳۸۹: ۳). همچنین در معنای آنچه که از پیرامون خانه و عمارت بدان متعلق است و مکانی که حمایت و دفاع از آن واجب است، آمده است. فقها در تعریف آن گفته‌اند مراد از حریم محدوده خاصی از زمین اطراف مال غیرمنقول (مانند خانه، چاه و قنات) است که صرف بهره‌برداری از آن یا بهره‌برداری کامل از آن منوط به در تصرف داشتن آن زمین است (نجفی، ۱۹۸۱: ۳۴ و علامه حلی، ۱۳۶۳: ۲۳۲). واژه «خصوصی» نیز در لغت در مقابل عمومی است و عمومی به معنای چیزی است که شامل همه گردد.^{۱۲} (دهخدا، ۱۳۷۷: ۸۹۰۴)

اما با توجه به تغییراتی که در نوع نگاه و نگرش جوامع مختلف در خصوص مفهوم حریم خصوصی و دامنه شمول آن وجود دارد، هنوز یک تعریفی کامل و مدون از اصطلاح «حریم خصوصی» به دست نیامده است و هریک از صاحب‌نظران نیز

تعاریف مختلفی از حریم خصوصی ارائه نموده‌اند. برای مثال ادوارد بلوستین^{۱۳} رئیس پیشین دانشگاه نیوجرسی (راتگرز) آمریکا نقض حریم خصوصی را به عنوان یک اقدام توهین‌آمیز نسبت به شرافت بشری قلمداد می‌کند. به اعتقاد وی ورود به زندگی خصوصی افراد شرافت فردی و حیثیت و تمامیت افراد را نابود ساخته و آزادی و استقلال فردی را از خاصیت می‌اندازد. با وجود این به نظر می‌رسد که توصیف حریم خصوصی به عنوان توهین به شرافت بشری کافی نباشد، زیرا گرچه نقض حریم خصوصی، نقض شرافت بشری است، شرافت فردی ممکن است بدون تجاوز به حریم خصوصی نیز مورد لطمه قرار گیرد (انصاری، ۱۳۸۳: ۸).

رابرت اسمیت سردبیر مجله حریم خصوصی در آمریکا، حریم خصوصی را چنین تعریف کرده است: «تمایل هر یک از ما به داشتن فضای فیزیکی که می‌توانیم در آن از مداخله، مزاحمت، اضطراب، و آشفتگی و پاسخ‌گویی رها باشیم و تلاش برای کنترل زمان و شیوه افشای اطلاعات شخصی درباره خودمان» (نمک‌دوست تهرانی، ۱۳۸۵: ۸). در خصوص این تعریف باید گفت که حریم خصوصی صرفاً فضای فیزیکی را شامل نمی‌شود، بلکه فضای مجازی نیز ممکن است حریم خصوصی محسوب گردد. برای مثال شنود تلفن، نقض یک فضای مجازی است که نقض حریم خصوصی محسوب می‌شود. پس تعریف حریم خصوصی به فضای فیزیکی کامل به نظر نمی‌رسد. در همین زمینه در سال ۱۹۲۸ دیوان عالی کشور ایالات متحده آمریکا در پرونده اولمستید^{۱۴} شنود تلفن افراد توسط پلیس را ناقض حریم خصوصی ایشان ندانست. در این پرونده اولمستید، متهم به صادرات غیرقانونی مشروبات الکلی به خارج از کشور بود. تنها دلیل علیه متهم نیز نوارهای ضبط شده از صدای متهم در مکالمات تلفنی به حساب می‌آمد. تفسیر دیوان آن بود که آنچه بوسیله اصلاحیه چهارم، مورد حمایت قرار دارد، فضای فیزیکی منازل افراد است. رویکردی که به ضابطه «حقوق مالکانه»^{۱۵} یا «رهیافت تجاوزکارانه»^{۱۶} مشهور شد. برعکس در سال ۱۹۶۷ دیوان عالی در پرونده کتز علیه ایالات متحده^{۱۷} ضابطه توقع حریم خصوصی^{۱۸} را جایگزین ضابطه قبل نمود. به عبارت دیگر و مطابق تفسیر جدید دیوان عالی، آنچه مورد حمایت اصلاحیه چهارم است، انسان‌ها بوده و مکان‌ها تنها به دلیل وابستگی به انسان قابل حمایت می‌باشند. بنابراین،

شنود تلفن ایشان نقض بارز حریم خصوصی محسوب می‌گردد (اکر و برودی^{۱۹}، ۲۰۰۴: ۴۹).

در دهه ۱۸۹۰ دو تن از قضات دادگاه عالی ایالات متحده آمریکا به نام‌های «ساموئل وارن» و «لویس براندیس» در مقاله‌ای با عنوان «حق حریم خصوصی» (حق حریم خصوصی) حریم خصوصی را «حق افراد برای تنها بودن» تعریف کردند. به نظر آنان، حریم خصوصی از جمله ارجمندترین حقوق در یک دموکراسی است و حمایت از آن باید در قانون اساسی بازتاب یابد، لذا حق حریم خصوصی را همچون حق رهایی از مزاحمت تلقی کردند. در پی انتشار این مقاله، این تلقی از حریم خصوصی به تدریج در سراسر ایالات متحده به عنوان بخشی از حقوق عرفی پذیرفته شد. اما این تعریف نیز کامل نیست؛ زیرا در مواردی شخصی بدون اینکه تنهایی دیگری را برهم بزند بر او نظارت دارد. مثلاً با دوربینی که در منزل یا محل کار او نصب نموده بر او نظارت می‌نماید در اینجا اگرچه تنهایی صدق می‌کند اما نقض حریم خصوصی صورت گرفته است. پس این تعریف نیز کامل به نظر نمی‌رسد.^{۲۰}

حقوقدانان ایرانی هم هریک به نوعی تعریفی از حریم خصوصی ارائه نموده‌اند. برخی حریم خصوصی را بخشی از حوزه خصوصی دانسته و می‌گویند: «حوزه خصوصی شامل دو قلمرو است؛ نخست قلمرو روابط شخصی و خانوادگی که بیشتر با عنوان حریم خصوصی شناخته می‌شود. دوم قلمرو خصوصی مبادله کالا و خدمات اجتماعی که در علم اقتصاد با عنوان اقتصاد بخش خصوصی شناخته می‌شود» (نوبهار، ۱۳۸۷: ۴۹).

در تعریف دیگری آمده است: «حریم خصوصی عبارت است از هر آنچه که در قلمرو یک شخص قرار دارد و یا مختص به وی است و ورود و تعرض به آن ممنوع است، مگر با اجازه شخص یا در موارد استثنایی یا تجویز قانون» (احمدی، ۱۳۸۷: ۶). نکته‌ای که در این تعریف وجود دارد که در سایر تعاریف کمتر به چشم می‌خورد این است که سایر تعاریف ناخواسته حریم خصوصی را حقی مطلق جلوه می‌دهند، در صورتی که حریم خصوصی باتوجه به منابع و اسناد موجود حقی مطلق نیست، بلکه در مواردی احتمال تقیید آن وجود دارد.^{۲۱} بنابراین در تعریف حریم خصوصی باید مقید

بودن آن ذکر، تا زمینه تفسیرات متعدد محدود گردد.

لذا با توجه به موارد فوق، نگارندگان در تعریف حریم خصوصی معتقدند: حریم خصوصی بخشی از زندگی انسان است که عرفاً و قانوناً هرگونه ورود، نظارت، کنترل و کسب اطلاع راجع به آن صرفاً باید با اذن شخص صاحب حق صورت گیرد، مگر در موارد مصرح قانونی.

اما در مقررات موضوعه ایران تنها در لایحه حمایت از حریم خصوصی به تعریف این حریم پرداخته شده است^{۲۲} و جز این لایحه، هیچ یک از قوانین موجود، حریم خصوصی را تعریف ننموده و قانون‌گذار ایران همانند قانون‌گذار بسیاری از کشورها به ذکر مصادیق آن اکتفا نموده است. در لایحه حریم خصوصی در تعریف این حریم آمده است «حریم خصوصی قلمرویی از زندگی هر شخصی است که آن شخص عرفاً یا با اعلان قبلی در چهار چوب قانون انتظار دارد تا دیگران بدون رضایت وی به آن وارد نشوند یا بر آن نگاه و نظارت نکنند یا به اطلاعات راجع به آن دسترسی نداشته یا به هر صورت دیگری قلمرو وی را مورد تعرض قرار ندهند».

از جمله قوانین موضوعه داخلی دیگر در ایران که به حمایت از مصادیق حریم خصوصی پرداخته، می‌توان به «قانون مجازات کسانی که در امور سمعی و بصری مداخله غیر مجاز می‌کنند مصوب ۱۳۸۶» نام برد. به موجب بند «ب» ماده ۵ این قانون «تهیه فیلم یا عکس از محل‌هایی که اختصاصی بانوان بوده و آن‌ها فاقد پوشش مناسب هستند، مانند حمام‌ها و استخرها و یا تکثیر و توزیع آن» مستوجب ۲ تا ۵ سال محرومیت از حقوق اجتماعی و ۷۴ ضربه شلاق دانسته شده است. بر اساس بند «ج» این ماده نیز «تهیه مخفیانه فیلم یا عکس مبتذل از مراسم خانوادگی و اختصاصی دیگران و تکثیر و توزیع آن» مستوجب همان مجازات است. در مورد تهیه فیلم یا عکس از محل‌های اختصاصی بانوان این بحث مطرح است که بر خلاف تصور اولیه، حریم خصوصی در اماکن عمومی نیز به رسمیت شناخته شده و قابل حمایت است. هرچند حمام‌ها، استخرها، سالن‌های ورزشی، آرایشگاه‌ها و محل‌هایی از این قبیل، اماکن عمومی هستند، ولی در زمان‌های خاصی ممکن است در عین حفظ ویژگی عمومیت، به بانوان اختصاص داده شود و از این جهت، حریم خصوصی بانوان

محسوب گردد. چنین موضعی در حقوق بعضی از کشورها پذیرفته شده است و در مواردی که فرد در یک مکان عمومی ظاهر می‌شود، ولی انتظار منطقی و معقولی برای خصوصی بودن در آنجا وجود دارد، نظیر ساحل دریا که برای مردان و زنان تفکیک شده است، حریم خصوصی تلقی می‌شود. همچنین عمده ترین قانون در راه حفظ حریم خصوصی در عرصه رایانه، قانون جرایم رایانه‌ای است که مصوب سال ۱۳۸۸ بوده و در حال حاضر جزء حقوق موضوعه ایران محسوب می‌گردد و لازم الاجرا است. این قانون دارای ۵۶ ماده است که با توجه به ماده ۵۵ آن، قانون جرائم رایانه‌ای به بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی اضافه گردیده و در واقع پس از تصویب این قانون، تعداد مواد قانون مجازات اسلامی از ۷۲۸ ماده به ۷۸۲ ماده رسیده است.

قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ اقدام دیگر قانون‌گذار است که در راه حفظ حریم خصوصی البته در عرصه رایانه گام برداشته است. در مواد مختلفی از این قانون حریم خصوصی مورد حمایت قرار گرفته که می‌توان به تبصره ماده ۴۸ اشاره کرد. این تبصره اشعار می‌دارد: «دسترسی به محتوای ارتباطات غیرعمومی ذخیره شده، نظیر پست الکترونیکی یا پیامک، در حکم شنود و مستلزم رعایت مقررات مربوط است.» مهم ترین مسأله درباره‌ی این مقررات، لزوم وجود دستور کتبی مقام ذیصلاح قضایی برای هرگونه شنود است. بنابراین ملاحظه می‌شود که حتی در صورتی که از لحاظ تکنولوژیکی امکان دسترسی به محتوای پست‌های الکترونیکی میسر باشد، از لحاظ قانونی بدون حکم مقام مجاز قضایی نمی‌توان این محتواها را کنترل و مطالعه کرد.

۳. مبانی ممنوعیت نقض حریم خصوصی

اما یکی از مهم‌ترین مباحثی که در خصوص حریم خصوصی وجود دارد این است که چرا بشر باید چنین حقی داشته باشد؟ حریم خصوصی چرا مهم و شناسایی آن چرا لازم است؟ پاسخ به این سؤال باعث پی بردن هرچه بیشتر به جایگاه چنین حقی در جامعه خواهد بود. زمانی که مبانی اهمیت حریم خصوصی به درستی شناخته

نشده باشد، به طور قطع نمی‌توان به طور کامل از آن حمایت نمود؛ به عبارت دیگر حمایت جامع و کامل از حریم خصوصی اشخاص میسر نیست، مگر با شناخت صحیح مبانی آن. لازم به ذکر است، مبنا با منبع و همچنین مصداق و فلسفه متفاوت است. مبنا به معنای چرایی یک موضوع و یا به عبارت دیگر ریشه و اساس مشروعیت یا ممنوعیت قائل شدن نسبت به یک امر است؛ به عبارت دیگر، مبانی زیرساخت‌ها و پایه‌های بنیادین یک امر است که حکایت‌گر واقعیت‌هایی است که وجود یک پدیده را ضروری و منطقی می‌سازد. در حالی که منبع، در ردیفی متأخر از مبنا قرار دارد (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۸۳: ۸۱) و صورت یا وسیله ایجاد امر عارضی است؛ مصداق، نمونه بارز و تمثال واقعی یک مفهوم است، در حالی که فلسفه، چگونگی و ویژگی‌های آن مفهوم قلمداد می‌شود. چنانچه در حقوق سایر کشورها از جمله آمریکا نیز این تفاوت‌ها به چشم می‌خورد؛ به گونه‌ای که مبنا را "Basic"، منبع را "Source"، مصداق را "Instance" و فلسفه را "Philosophy" می‌نامند.

با توجه به این موارد و با توجه به این‌که حقوق ایران برگرفته از فقه اسلامی است و قوانین موضوعه جمهوری اسلامی ایران نیز همان رویه نظام اسلام (احاله به سایر حقوق و آزادی‌ها) را نسبت به حمایت از حریم خصوصی اشخاص دنبال نموده است،^{۳۳} می‌توان مبانی حمایت از حریم خصوصی در ایران را در مبانی فقهی بررسی کرد و سپس آن‌ها را با مبانی موضوع حقوق آمریکا مورد مطالعه تطبیقی قرار داد. به طور کلی مبانی حمایت از حریم خصوصی در حقوق ایران و آمریکا عبارتند از: ۱. ارزش‌های اخلاقی؛ ۲. تحدید اختیارات دولت؛ ۳. حفظ کرامت انسانی و لزوم رعایت حقوق بشر؛ ۴. جلوگیری از عادی شدن و شیوع بدی‌ها؛ ۵. قاعده تسلیط؛ ۶. قاعده صحت و اصل اباحه؛ ۷. قاعده احترام مال مردم.

۳.۱. ارزش‌های اخلاقی

ارزش‌ها در ایجاد حقوق موضوعه (اعم از ملی یا بین‌المللی) سهمی مؤثر دارند، و استنباط معنای ثابت و استخراج محورهای اساسی حقوق که با تحلیل غایات آن و تأمل

در ساختار سیستم کلی حقوق میسر می‌گردد، بدون توجه به این ارزش‌ها امکان‌پذیر نیست. ارزش‌های حقوقی به حوزه عمل تعلق دارند؛ زیرا کار اصلی آن‌ها تنظیم رفتارهای اجتماعی است و به همین علت می‌توان آن‌ها را ارزش‌های اخلاقی، در مفهوم وسیع کلمه، دانست. البته، ارزش‌های اخلاقی موردنظر در اینجا همان ارزش‌های دائم یا نظری است، و نه ارزش‌های اخلاقی موقت یا عملی که بنابر عقیده دکارت، مشتمل بر قواعد و دستورهای عملی معین و محدود است (فلسفی، ۱۳۸۱-۱۳۸۰: ۹-۸).

حریم خصوصی و حمایت از آن در زمره هم ارزش‌های حقوقی و هم ارزش‌های اخلاقی قرار می‌گیرد، چه در این قبیل موارد لوازم اولیه رشد و تعالی فرد و ضرورت‌های ابتدایی نظم اجتماعی ماهیتی واحد دارند. در تمامی سیستم‌های اخلاقی به ممنوعیت نقض حریم خصوصی و تجسس تصریح شده است، تنها تفاوتی که از این لحاظ میان این سیستم‌ها وجود دارد، شمار و اهمیت استثنائات وارد بر این قاعده کلی است. این قاعده همراه با برخی استثنائات هم در حقوق ایران و هم در حقوق آمریکا به چشم می‌خورد.

دلیلی که موجب تطابق ارزش‌های اخلاقی و حقوقی گشته، آن است که انسان مطیع حقوق یا واضع حقوق، همان انسانی است که تابع اخلاق است. البته تطبیق این قواعد ارزشی با یکدیگر در جوامعی که عوامل رشد و توسعه حقوق در دست حکومت است، معنا ندارد.^{۲۴} بدعتی که نمی‌توان آن را در زمان حاضر در خصوص حقوق حاکم بر کشورهای ایران و آمریکا با وجود تفاوت‌های بسیار بر ارزش‌های اخلاقی و حقوقی مورد پذیرش در این دو کشور جاری و ساری دانست.

ارزش‌های اخلاقی در آمریکا به عنوان مهمترین و شاید یکی از مهمترین مبانی حمایت از حریم خصوصی محسوب می‌گردد؛ به گونه‌ای که این موضوع در رأی دادگاه عالی آمریکا در پرونده گریسوولد علیه کانکتیکت^{۲۵} مورد تصریح قرار گرفته است. در این پرونده بیان می‌شود که افراد از یکدیگر دارای استقلال کامل هستند و هر کس واجد این حق است که تنها بماند. رعایت این موارد جزئی از ارزش‌های اخلاقی محسوب می‌گردد (میشل فلدر^{۲۶}، ۲۰۰۱: ۱۲۹). لذا حمایت از حریم خصوصی افراد از

مبنایی مستحکم برخوردار است، چرا که رعایت ارزش‌های اخلاقی در قانون اساسی آمریکا به عنوان اصلی استثنای پذیر پذیرفته شده است، به گونه‌ای که اصل آزادی را نیز تخصیص می‌زند.

بی‌گمان اسلام نیز اخلاقی‌ترین دین و مکتبی است که در جامعه بشری ظهور کرده است. پیامبر اکرم (ص) در تبیین آموزه‌های قرآنی، هدف از بعثت پیامبران را تزکیه نفس برشمرده (سوره جمعه آیه ۲) می‌فرماید: «انی بعثت لاتمم مکارم الاخلاق»؛ من به هدف اتمام و اکمال فضیلت‌های اخلاقی در میان بشر برانگیخته شده‌ام.

اگر آیات و آموزه‌های قرآنی و نبوی را تحلیل کنیم در می‌یابیم که بیشتر آموزه‌های آن یا به طور مستقیم مرتبط به مسأله اخلاق است و یا در نهایت در راستای ارزش‌های اخلاقی و تحکیم آن صادر شده است. از این رو، آموزه‌های حقوقی، عبادی، جزایی و قضایی اسلام در بردارنده اصول اخلاقی است و حوزه‌ای نیست که متأثر از ارزش‌ها و اصول اخلاقی نباشد. همانگونه که در مباحث پیشین نیز ذکر گردید بی‌گمان هتک حریم خصوصی اشخاص یکی از زشت‌ترین رفتارهای انسانی است و مردم نیز به طور فطری آن را ناپسند می‌دارند.

از مجموعه آیات قرآن این معنا بدست می‌آید که حفظ حریم خصوصی اشخاص که در ارتباطی تام با ارزش‌های اخلاقی آنان است، نه تنها وظیفه خود شخص بلکه وظیفه جامعه و دولت نیز هست. بنابراین هیچ شخص حقیقی و یا حقوقی و یا نهادهای دولتی نمی‌توانند متعرض حریم خصوصی افراد شوند و به جان و مال و آبروی اشخاص آسیب برسانند. دولت به عنوان نهاد حافظ منافع اشخاص و جامعه می‌بایست در این حوزه نه تنها خود وارد نشود و به تجسس و یا کاوش نپردازد بلکه با تشدید قوانین و مجازات بر افزایش ضریب امنیتی حوزه خصوصی و حریم شخصی بیفزاید. باتوجه به تغییرات در روش‌ها و بکارگیری فنون و فن‌آوری‌های نوین در عرصه‌های مختلف، اماکن تعرض به حریم خصوصی افزایش یافته است از این رو می‌بایست با یافتن راهکارهای نوین امکان هرگونه تعرض و هتک حرمت حریم خصوصی از اشخاص حقیقی و حقوقی سلب شود.

۳.۲. تحدید اختیارات دولت

یکی از مبانی مهم دیگری که شناسایی حق بر حریم خصوصی را برای افراد جامعه ضروری می‌سازد، وجود دولت همراه با قدرت و سلطه‌اش در جامعه است. با توجه به وجود دولت در هر جامعه و با توجه به قدرت آن باید دور موجودیت و شخصیت فردی حصار کشید تا قدرت زیاده‌خواه و سلطه‌جوی حاکم نتواند به این حریم تجاوز نماید (قاضی شریعت‌پناهی، ۱۳۸۵: ۱۴۰). بنابراین حریم خصوصی نه تنها از آزادی و استقلال افراد در برابر هم‌نوعان خود و رسانه‌ها حمایت می‌کند، بلکه وسیله‌ای است برای دفاع از آزادی و امنیت فردی در برابر دولت. حق مذکور فضایی برای افراد جامعه فراهم می‌سازد که حکومت نه تنها از مداخله در آن ممنوع است، بلکه باید از مداخله اشخاص دیگر در آن نیز جلوگیری نماید.

در سال‌های اخیر تحولات تکنولوژی، تحصیل، ضبط و ذخیره حجم انبوهی از اطلاعات درباره افراد را میسر ساخته است. این واقعیت می‌تواند یک خطر کاملاً جدی محسوب شود؛ زیرا اطلاعات مذکور نه تنها ممکن است به ضرر فرد مورد نظر جمع آوری شده و به کار رود، بلکه ممکن است جامعه نیز در سطح کلان از این امر متضرر گردد. امروزه مراقبت‌های ویدیویی که به نام پیش‌گیری وضعی از جرم انجام می‌شود نیز صدمه به زندگی خصوصی افراد وارد می‌نماید. این نوع مراقبت‌ها هرچند نوعاً در اماکن عمومی ایجاد می‌شود اما باز هم تعرض به زندگی خصوصی اشخاص محسوب می‌شوند؛ زیرا این مطلب پذیرفته شده است که ما می‌توانیم در یک مکان عمومی هم در حالت خصوصی باشیم. لذا بر این اساس نمی‌توان هویت کسی را برملا ساخت. به عنوان نمونه یک زوج جوان انتظار ندارند که تمام حرکات آن‌ها، تنها به این دلیل ساده که در یک مکان عمومی هستند، ثبت و ضبط شود (ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۱۰۹).

در مواردی قدرت عمومی به بهانه ایجاد نظم و امنیت و یا شرایط اضطراری به محدود کردن آزادی‌ها و از جمله دخالت در حوزه خصوصی افراد مبادرت کرده است. به عنوان نمونه حملات تروریستی یازده سپتامبر ۲۰۰۱ در ایالات متحده آمریکا محیط امنیتی جدیدی را ایجاد کرده است که نظام سیاسی این کشور با وضع قوانین و مقررات

مداخله جویانه و از جمله قانون پاتریوت^{۲۷} و همچنین دستورالعمل شرایط کار تهیه شده توسط اداره کار^{۲۸}، به شکلی گسترده نسبت به نقض حریم خصوصی و از جمله دخالت در حریم خصوصی اقدام کرده است. مطابق با بخشی از این دستورالعمل کارفرمایان مشمول اداره کار می‌توانند اطلاعات تجاری و شخصی حساس کارگران و مشتریان خود را افشا سازند (شیزم^{۲۹}، ۲۰۱۲: ۲). علاوه بر این، کنگره آمریکا به منظور افزایش توان دولت جهت دسترسی به اطلاعات شخصی مبادرت به تصویب قانون ارتقای امنیت سایبری کرده است (هوفنل^{۳۰}، ۲۰۱۰: ۴). در محاکم این کشور نیز طی آرای مختلف نقض حریم خصوصی افراد در مکان‌های عمومی طی برخی توجیهاات مجاز شمرده شده است؛ از جمله می‌توان به پرونده فلوریدا علیه ریلی^{۳۱} اشاره کرد که در آن مأمور پلیس از چرخ‌بال^{۳۲} و به فاصله ۴۰۰ پایی از سطح زمین در حال نظاره مناطق روستایی بوده که ناگهان متوجه کشت گیاه ماری‌جوانا می‌شود و مبادرت به تعقیب و تحقیقات مقدماتی می‌کند. دادگاه عالی نه تنها تحقیقات مأمور را ابطال نکرد، همچنین نقض حریم خصوصی را نیز محقق ندانست؛ با این استدلال که از لحاظ منطقی و متعارف نقض حریم خصوصی رخ نداده، چراکه نمی‌توان افراد را موظف دانست که در مکان‌های عمومی چشم خود را ببندند. (نیسنوم^{۳۳}، ۲۰۰۰: ۱۴-۱۳)

بنابراین اگر قدرت دولت از طریق قوانین محدود نگردد، روز به روز شاهد افزایش بیش از پیش نقض حریم خصوصی افراد خواهیم بود. همچنین، اگر قدرت دولت بی‌محابا و بدون حد و مرز رها شود، ممکن است فرد را فدای مصلحت و امیال قدرت سیاسی کند. همان‌طور که در حکومت‌های توتالیتر^{۳۴} با حذف قلمرو خصوصی، فردیت افراد نابود و زمینه هرگونه استعداد و شکوفایی در آن‌ها ریشه‌کن می‌گردد.^{۳۵}

اما، با این که منع از ورود به حریم خصوصی اشخاص یک اصل محسوب می‌شود باید توجه داشت که همانگونه که در تعریف حریم خصوصی نیز بیان شد، به نظر می‌رسد غیر قابل تعرض بودن مطلق این حقوق امری غیرممکن است. توسعه مناسبات اقتصادی و اجتماعی ایجاب می‌نماید که دولت در روابط خصوصی ملت دخالت نموده و اموری که سابقاً جزء حقوق خصوصی شهروندان بوده، هم اکنون تحت نفوذ حقوق عمومی و اقدامات ناشی از اعمال حاکمیت دولت باشد. نمی‌توان به بهانه دفاع از حریم

خصوصی دیواری نفوذ ناپذیر میان دولت و ملت به وجود آورد و به دولت و سازمان های آن اجازه کوچکترین دخالتی را در روابط و مسایل خصوصی افراد نداد. وجود چنین دیواری مانع روابط متقابل و ضروری دولت و ملت شده و دولت را از ارائه خدمات و مدیریت صحیح اجتماعی باز می‌دارد و موجب تبعات و عوارضی سوء خواهد شد. همچنین، حقوق و آزادی‌های فردی می‌توانند در تعارض با حقوق و آزادی های سایرین، و یا نظم عمومی قرار گیرند. لذا در عین حال که دولت‌ها به تضمین حقوق و آزادی‌های فردی متعهدند، همواره در وضع قوانین مربوطه علاوه بر تضمین این حقوق، نظم عمومی و منافع عامه و در کل مصلحت جامعه را نیز در نظر داشته و موارد جواز تحدید این حقوق و آزادی‌ها را نیز پیش‌بینی می‌نمایند.

در قوانین موضوعه ایران نیز، در تبصره ماده ۱۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ آمده است: «کنترل تلفن افراد جز در مواردی که به امنیت کشور مربوط است و یا برای احقاق حقوق اشخاص به نظر قاضی ضروری تشخیص داده شود، ممنوع است». ماده ۳۶ قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ نیز مقرر داشته است: «تفتیش و توقیف داده‌ها یا سیستم‌های رایانه‌ای و مخابراتی به موجب دستور قضایی و در مواردی که عمل می‌آید که ظن قوی به کشف جرم یا شناسایی متهم یا ادله جرم وجود داشته باشد». مستفاد از بند هفتم فرمان حضرت امام خمینی (ره) و مواد فوق استنباط می‌گردد در مواردی مصالح عالی‌تری از جمله حفظ مصالح اسلام، امنیت، کشف جرایم و غیره ایجاب می‌نماید که دولت بتواند محدودیت‌هایی بر این حق اعمال نماید. حدود ملاحظات دولت در روابط و حریم خصوصی شهروندان در جهت اعمال مدیریت سیاسی و اجتماعی و اجرای برنامه‌های عمومی نیز باید مشخص و تعریف شده باشد. بی‌گمان دولت‌ها نمی‌توانند هر از گاهی به بهانه مشروعیت سیاسی و مدیریت اجتماعی اقدام به نقض حریم خصوصی افراد نمایند. پس ورود به حریم خصوصی در زمانی نیز که جواز ورود به آن صادر می‌گردد، تابع ضوابطی است که تخطی از این ضوابط حتی می‌تواند موجب مسئولیت کیفری باشد. به طور مثال ماده ۵۸۰ قانون مجازات اسلامی بیان می‌دارد: «هریک از مستخدمین و مامورین قضائی یا غیرقضائی یا کسی که خدمت دولتی به او ارجاع شده باشد بدون ترتیب قانونی به منزل کسی بدون اجازه و رضای

صاحب منزل داخل شود به حبس از یک ماه تا یک سال محکوم خواهد شد مگر اینکه ثابت نماید به امر یکی از روسای خود که صلاحیت حکم را داشته است مکره به اطاعت امر او بوده، اقدام کرده است که در این صورت مجازات مزبور در حق آمر اجراء خواهد شد و اگر مرتکب یا سبب وقوع جرم دیگری نیز باشد مجازات آن را نیز خواهد دید و چنانچه این عمل در شب واقع شود مرتکب یا آمر به حداکثر مجازات مقرر محکوم خواهد شد.^{۳۶} نکته دیگری که در خصوص عدم رعایت ضوابط ورود به حریم خصوصی باید به آن اشاره نمود، عدم اعتبار دلایل کشف شده بر اثر عدم رعایت ضوابط است. اصل مشروعیت تحصیل دلیل می‌طلبد تا به هنگام جمع آوری ادله با احترام به حریم مسکن و مأوی و محل کار افراد و رعایت حرمت مجموعه مراسلات و مکاتبات آن‌ها، با حفظ اصل رازداری و گمنامی اشخاص و احترام به حق خلوت آن‌ها، حریم خصوصی شهروندان جامعه را پاس داریم تا ضمن صیانت از حقوق فردی و کرامت انسانی آن‌ها، از مخدوش شدن و بی اعتباری ادله اکتسابی جلوگیری کنیم (تدین، ۱۳۷:۱۳۸۸). اما حریم خصوصی افراد صرفاً توسط دولت‌ها نقض نمی‌گردد بلکه افراد نیز ممکن است حریم خصوصی یکدیگر را نقض نمایند. تفاوتی که در این زمینه وجود دارد این است که هرگاه حریم خصوصی یک شهروند مورد تجاوز قرار گیرد می‌توان به قوانین موجود و نظم اجتماعی پناه برد و از دولت و قوه قضاییه استمداد جست و فرد متجاوز را مجازات نمود اما این امر در مورد دولت به سادگی صورت نمی‌گیرد. نمی‌توان دولت را به خاطر نقض حریم خصوصی مجازات کرد، بلکه تنها شاید بتوان دولت را به جبران خسارت ملزم نمود. بنابراین به نظر می‌رسد بیش‌ترین تهدید علیه حریم خصوصی اشخاص از ناحیه دولت‌ها صورت گیرد تا سایر اشخاص.

بنابراین قانون‌گذار باید با یک قانون صریح قلمرو حریم خصوصی و موارد جواز تحدید و ضوابط اعمال آن را مشخص نماید؛ به طوری که نه مانند نظام آنارشیستی نفوذ به آن را کاملاً ممنوع نماید، حتی اگر به قیمت نابودی دولت تمام گردد و نه مانند نظام توتالیتر ورود به آن را به هر بهانه‌ای جایز شمارد.^{۳۶}

نظام اسلامی نقطه مقابل این دو نظام است؛ نه، به تقیید کامل حریم خصوصی و نه، به اطلاق کامل آن به قیمت نابودی دولت معتقد است. بلکه با رویکردی میانه با

تأکید بسیار بر حفظ حریم خصوصی موارد جواز تحدید این حقوق را در مواردی که مصلحت بالاتری وجود داشته باشد، مشخص و حتی در آن موارد نیز بر حفظ شرافت انسانی تأکید می‌نماید.

در نتیجه، ماهیت دولت حاکم و اعتقاد یا بی‌اعتقادی آن‌ها به ضرورت شناسایی چنین حقی اهمیت خاص دارد. برخی از نظام‌های سیاسی این ضرورت را بهتر و بیشتر از سایر نظام‌ها درک و حمایت می‌نمایند.

لازم به ذکر است، حمایت از حریم خصوصی مورد انتقاد محققان و دانشمندان فمینیستی قرار گرفته است. کاترین مک‌کینون^{۳۷} می‌نویسد: ((این اشتباه است که برای خانه یک اهمیت و ارزش حمایتی قائل باشیم، بدین نحو که یک مکان خصوصی بوده و دیگران حق ورود و مداخله در امور آن را ندارند)). او اشاره می‌کند که آزادی از مداخله دولت در خانه منجر به ارتکاب جرایم مختلف به ویژه علیه زنان می‌گردد (اتزیونی^{۳۸}، ۲۰۱۴: ۱۱).

۳.۳. حفظ کرامت انسانی و لزوم رعایت حقوق بشر

زندگی آمیخته با کرامت و برخورداری از عزت و شرافت از اولی‌ترین حقوق اساسی افراد بشر است که به نحو گسترده‌ای در نظام اسلامی مورد توجه قرار گرفته است. تکلیف به حفظ کرامت انسانی از اصولی است که در اخلاق اسلامی بر آن تأکید شده است؛ به طوری که اختیار تصرف در حیثیت و آبرو از اطلاق تسلط آدمی بر جان و مال خویش استثنا شده است (مطهری، ۱۳۶۲: ۱۲۹). خداوند با دمیدن روح خود در انسان به او عزت و کرامت بخشید و او را برتر از سایر مخلوقات قرار داد و او را جانشین خود در زمین نامید. بنابراین هیچ کس حق از بین بردن کرامت انسانی اشخاص را ندارد.^{۳۹}

حریم خصوصی نیز ارتباط تنگاتنگی با کرامت انسانی و آبرو و حیثیت آن‌ها دارد. تکریم تمامیت مادی و معنوی انسان در سایه یک حق حریم خصوصی و یک فضای لازم جهت رشد و تکامل شخصیت افراد میسر است. کرامت ذاتی انسان به آن نوع

شرافت و حیثیتی گفته می‌شود که تمامی انسان‌ها به جهت داشتن توانایی تفکر، تعقل، قدرت انتخاب و آزادی اراده و اختیار به طور فطری و یکسان از آن برخوردارند (رحیمی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۳۰)؛ اما نکته‌ای که قابل ذکر است این است که هرچند همگان دارای شئون و حیثیت برابرند اما انسان قادر است با به کار بستن استعدادهای جمیله خود مراتب کمال انسانیت را طی نماید و به مدارج عالی ارتقا یابد. بدین ترتیب است که رفتار انسانی منزلت‌های متفاوتی را ایجاد می‌نماید و در نتیجه افراد نسبت به یکدیگر برتری پیدا می‌کنند (هاشمی، ۱۳۸۴: ۱۰۱).

اما شخصی که حریم خصوصی او مورد تعرض قرار گیرد، زمینه‌های رشد و شکوفایی استعدادهای خود را به مرور از دست داده و در بسیاری از موارد افشای مسایل خصوصی او، آبرو و حیثیت او را به مخاطره می‌اندازد و برای او فشار روحی، خشم، نفرت، شرمساری و رنج روحی و روانی به ارمغان می‌آورد و ضربات جبران ناپذیری را به فرد وارد خواهد ساخت. همچنین شخصی که کرامت انسانی خود را از دست دهد، خود را در ارتکاب هر زشتی نکوهش نخواهد کرد؛ همچنان که کسی که خود را با عزت بشمارد، شهوات و تمایلات مجرمانه در نظرش پست و کوچک است (صادقی، ۱۳۷۸: ۱۰) «من کرمت علیه نفسه هانت علیه شهواته». ^۴ لذا، برای اینکه اشخاص بتوانند استعدادهای بالقوه خود را به فعلیت رسانده و در جهت به کمال رساندن آن‌ها گام بردارند و همچنین برای جلوگیری از پست و بی‌مقدار شدن کرامت انسانی باید زمینه‌های نفوذ به حریم خصوصی آنان به حداقل ممکن کاهش یافته تا با آرامش کافی در جهت تقویت منزلت انسانی خود گام بردارند و از آسیب‌های جدی روحی و روانی که ممکن است پیش آید، جلوگیری گردد.

در نظام حقوقی آمریکا از آنجا که حفظ کرامات انسانی به عنوان یکی از موارد رعایت حقوق بشر شناخته می‌شود و حقوق بشر یکی از مبانی رعایت حریم خصوصی در این کشور محسوب می‌گردد، رعایت حریم خصوصی در فقه اسلامی و در حقوق آمریکا از این جهت تشابه مبنایی دارند.

جهت تبیین مفهوم حقوق بشر می‌توان گفت حقوق بشر فرد را نقطه عطف خود قرار می‌دهد و ناظر بر تأمین حداقل شرایط ضروری برای فرد جهت نوعی زندگی

انسانی سالم است. افزون بر این، همان‌طور که از اصطلاح «بشر» برمی‌آید، چنین حقوقی همواره از لحاظ گستره، عام و جهان‌شمول و تابع تعریف و قواعد تعریف شده‌ی بین‌المللی است (بیتام، ۱۳۸۳: ۱۴۶).

اهمیتی که منادیان حقوق بشر برای حریم خصوصی قائل شده‌اند، با اهمیت و ارزش انسان برابری می‌کند. ضرورت این امر برای شأن و مقام یک انسان کاملاً بدیهی است؛ اگر تمامی افعال و رفتارهای فرد تحت مشاهده دیگران قرار گیرد، آن فرد نمی‌تواند خود واقعی‌اش را به منصفی ظهور برساند و آنچه را که می‌خواهد باشد. لذا، رعایت حریم خصوصی در کشورهایی مانند آمریکا که مدعی آزادی‌خواهی و دموکراسی هستند و خود را منادی حقوق بشر می‌دانند و نظام حاکم را بر اساس لیبرالیسم پایه‌گذاری کرده‌اند، موضوعی بسیار حیاتی است. حریم خصوصی بر پایه اصولی چون حقوق بشر، حق آزادی اجتماعات، حق آزادی عقیده و بیان، بنیان‌گذاری شده است. به طوری که یکی از نویسندگان بیان می‌دارد: «تمامی شاخه‌های حقوق بشر به اشکال مختلف جنبه‌هایی از رعایت حریم خصوصی را بیان می‌دارند» (وولیو^{۴۱}، ۱۹۸۱: ۱۴). این بدان معناست که اگر حریم خصوصی افراد جامعه مورد حمایت قرار گیرد و با ناقضان آن به شدت برخورد شود، امید رعایت تمامی شاخه‌های حقوق بشر در این جامعه تقویت می‌گردد (مندل^{۴۲} و دیگران، ۲۰۱۲: ۱۱). بدین سبب است که در کشورهایی مانند آمریکا، نروژ و استرالیا علاوه بر پیش‌بینی مسئولیت کیفری، قائل به شناسایی مسئولیت مدنی ناقضان حریم خصوصی گشته‌اند.^{۴۳} البته جدای از حقوق بشر مطلوب و مدنظر کشورهای غربی، حقوق بشر اسلامی نیز مؤید لزوم حمایت از حریم خصوصی و برخورد با ناقضان آن است.

حریم خصوصی در همه مقررات حقوق بشری مورد حمایت قرار گرفته است.^{۴۴} لذا اسناد بین‌المللی ناظر بر حقوق بشر با تصریح بر ممنوعیت نقض حریم خصوصی به نوعی بر وجود حقوق بشر به عنوان یکی از مبانی رسمی این ممنوعیت صحنه‌گذارده‌اند. در ماده ۱۱ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، حق حریم خصوصی با تعاریفی مشابه اعلامیه جهانی حقوق بشر وضع شده است. در سال ۱۹۶۵، سازمان کشورهای آمریکایی بیانیه آمریکایی حقوق و وظایف انسان را صادر کرد که در آن حفاظت از

بسیاری حقوق انسانی، از جمله حریم خصوصی، خواسته شده بود. دیوان حقوق بشر قاره آمریکا رسیدگی به مسائل حریم خصوصی را در پرونده‌های خود آغاز کرده است (نمک‌دوست تهرانی، ۱۳۸۵: ۲۰۵). با این همه و با کمال تعجب می‌بینیم که در سال‌های اخیر نقض حریم خصوصی در آمریکا حتی توسط اعضای کنگره و دولت مورد بی‌توجهی قرار گرفته، به طوری که دولتمردان این کشور معتقدند طبق قوانین داخلی حریم خصوصی صرفاً در خصوص افراد موضوعیت دارد، نه اماکن.^{۴۵}

۳.۴. جلوگیری از عادی شدن و شیوع بدی‌ها

از جمله آثار سوء ورود افراد و دولتمردان به حریم خصوصی افراد این است که باعث می‌شود گناه شایع شود و بدی‌ها عمومی، عادی، همگانی و قبیح‌زدایی گردد. ورود به حریم خصوصی اگر به صورت فرهنگ درآید باعث به خطر افتادن امنیت روحی و روانی جامعه می‌گردد.^{۴۶} در چنین جامعه‌ای ترس و وحشت از افشای مسایلی خصوصی باعث می‌شود که افراد جامعه به جای صرف وقت جهت پیشبرد سعادت خود و اهداف جامعه، بیشتر وقت خود را در تشویش و نگرانی ناشی از احتمال افشای مسایلی خصوصی گذرانده و در نتیجه آن جامعه به جای حرکت رو به جلو و پیشرفت، جامعه‌ای ساکن خواهد بود و شاید حتی به عقب برگردد. از آنجا که نظام سیاسی باید تأمین‌کننده‌ی امنیت مردم در همه ابعاد آن باشد، در چنین جامعه‌ای به دلیل قصور و ناتوانی نظام سیاسی در این امر، اعتماد ملی و مردمی به تدریج سلب و در نتیجه رابطه مطلوبی بین آنان و جامعه برقرار نمی‌گردد. به دنبال آن زمانی که مردم مشاهده نمایند که دولت توانایی تأمین امنیت آنان را ندارد، علیه آن برخاسته و شاید حتی به سرنگونی آن اقدام نمایند.

در همین راستا طبق ماده ۱۰۰ قانون برنامه چهارم توسعه جمهوری اسلامی ایران دولت موظف گردیده است که به منظور ارتقای حقوق انسانی و استقرار زمینه‌های رشد و تعالی و احساس امنیت فردی و اجتماعی در جامعه و منشور حقوق شهروندی را با محورهایی چند که یکی از آنها حفظ و صیانت از حریم خصوصی افراد است، به تصویب مراجع ذی صلاح برساند. بنابراین حفظ حریم خصوصی افراد و تهیه

ساز و کارهای مختلف آن و ایجاد زمینه‌های فرهنگی واجتماعی و قانونی حفاظت از حریم خصوصی جزء وظایف اولیه دولت‌هاست. ماده ۱۳۰ قانون مزبور مشابه همین وظیفه را برعهده قوه قضاییه گذاشته است. در این بند قوه قضاییه موظف گردیده لایحه حفظ و ارتقای حقوق شهروندی را در بند «ه» در راستای اجرای اصل ۲۰ قانون اساسی تهیه و به تصویب مراجع ذیصلاح برساند.

همچنین یکی دیگر از معایب افشای مسایل خصوصی اشخاص و شیوع بدی‌ها که فقه اسلامی افراد را از آن برحذر می‌دارد به نظریه‌ای در جرم‌شناسی باز می‌گردد که به نظریه برچسب زنی معروف است (موسی‌زاده و مصطفی‌زاده، ۱۳۹۱: ۱۸). برطبق این نظریه، برچسب‌هایی که بر فرد الصاق می‌شود ممکن است وی را به سوی رفتارهایی در جهت نقش مرتبط با برچسب هدایت کند، حتی اگر آن وصف کوچک‌ترین شباهتی با وی نداشته باشد؛ زیرا این عقیده در جامعه‌شناسی و جرم‌شناسی وجود دارد که وقتی فردی از سوی دیگران در قالب خاصی توصیف شود در نتیجه فشار اجتماعی به تغییر ادراک از خویشتن و رفتار خود دست خواهد زد. مردم معمولاً رفتار فرد برچسب‌زده شده را به نحوی گزارش می‌کنند که گویی رفتارهای نابهنجار را توصیف می‌کنند و معمولاً از برچسب‌های شناخته شده برای عموم استفاده می‌کنند که ممکن است در مورد وی صادق باشد یا نباشد. این فرآیند باعث می‌شود تا رفتار مردم و تعاملات آن‌ها با فرد برچسب‌خورده دچار تغییر شود (طوسی، ۱۳۸۹: ۲).

نظریه برچسب‌زنی بیشتر نهادهای رسمی را عاملی برای به وجود آوردن جرم تلقی می‌کنند. طرفداران این نظریه معتقدند که صاحبان قدرت شاخص‌هایی را تعیین می‌کنند که چه کسی مجرم و چه کسی بهنجار است؛ یعنی آن‌ها ارزش‌هایی را برای آحاد جامعه تعیین می‌کنند (حسینی و متولی‌زاده نایینی، ۱۳۹۱: ۱۲۰). تحقیقات جرم‌شناسان درباره مراحل انگ خوردن ثابت می‌نمایند که تعیین هویت افراد تحت عناوینی چون مظنون، بزه‌کار و مجرم دارای اثرات منفی به صورت‌های گوناگون است. در نتیجه افراد باید در مقابل انگ‌زنی‌های پلیس و نهادهای مشابه و انتشار آن‌ها حمایت شوند. چون احتمال آن هست که بسیاری از برچسب‌زنی‌ها و انگ‌زنی‌ها نادرست و یا از روی قصد و غرض یا به خاطر اشتباهات قضایی باشد. لذا، حفظ اسرار و زندگی خصوصی

افراد و منع و انتشار آن‌ها هم دارای منافع فردی است و هم اینکه می‌تواند از فعالیت‌های ضد اجتماعی آینده برچسب خورها پیش‌گیری نماید (مصطفی‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۱۲-۱۱۱).

نفوذ به حریم خصوصی اشخاص ممکن است باعث آشکار شدن رفتار انحرافی فرد از هنجارهای اجتماعی نزد عموم گردد. در این مرحله ممکن است برچسب‌هایی از قبیل دزد، کلاهبردار و . . . از سوی جامعه بر پیکره فرد و خانواده وی کوبیده شود. پس با دریافت این برچسب شخص به طور آگاهانه یا ناآگاهانه تصویر جدیدی از خود می‌سازد و رفتار مناسب با آن را شروع می‌نماید و همین عامل می‌تواند رفتار فرد و خانواده او را که جامعه برچسب‌هایی به آن‌ها وارد کرده‌اند، به سمت و سوی که نه برای خود او و نه برای جامعه نه تنها مفید نیست، بلکه مضر نیز خواهد بود، سوق دهد و افراد به اعمال ضد اجتماعی روی آورده و در نتیجه مرتکب جرم گردند. بنابراین برای جلوگیری از چنین اتفاق ناگواری باید حریم خصوصی اشخاص به طور جدی حفظ و از افشای اسرار خصوصی افراد جلوگیری گردد.

در سیاست جنایی امروزه آمریکا گرایشی تحت عنوان ((تساهل صفر)) مطرح است. مطابق با این گرایش تمامی جرایم ولو خفیف و پیش پا افتاده باید با پاسخ کیفری مواجه گردند. لذا، ضابطین مکلفند هر خلافی را که رؤیت می‌کنند ولو بسیار خفیف به دادگاه جزایی ارجاع دهند و در راستای کشف تمامی جرایم و جمع‌آوری ادله تمام تلاش خود را به کار بندند، به عنوان مثال می‌توان روی دیوار نوشتن و یا کثیف کردن محله و حتی جرایم کوچکی که در خفا صورت می‌گیرند و بزه‌دیده‌ای هم ندارند، بلافاصله با واکنش پلیس مواجه می‌شوند. سیاست جنایی اسلام به درستی از این رویه پیروی نکرده و با پیش‌بینی نهادهایی چون بزه‌پوشی، قضا‌زدایی و کیفرزدایی درصدد آن برآمده که قبیح گناه نریزد و ارتکاب جرایم امری معمول نگردد تا از این طریق خوبی‌ها در جامعه کریمه اسلامی بیش از پیش توان و فرصت خودنمایی پیدا کنند. بنابراین می‌توان گفت که نهادهای مذکور در سیاست جنایی اسلام که در راستای حفظ کرامت انسانی و جلوگیری از عادی شدن و شیوع بدی‌ها در جامعه پیش‌بینی شده، در تضاد با سیاست جنایی «تساهل صفر» در آمریکا قرار می‌گیرد.

۳.۵. قاعده‌ی تسلیط

یکی از قواعد مسلم فقهی، قاعده‌ای است که گاهی از آن به قاعده «تسلط» یا «قاعده تسلیط» تعبیر می‌شود. ولی در عبارت فقها به قاعده سلطنت معروف است. تسلیط در لغت به معنای گماشتن، چیره دست کردن و مسلط ساختن آمده است. در اصطلاح فقهی عبارت است از «تسلط و اختیار مالک برای هرگونه تصرف در اموال خویش». مفاد این قاعده این است که هر مالکی نسبت به مال خود تسلط کامل دارد و می‌تواند در آن هرگونه تصرفی اعم از مادی و حقوقی بنماید و هیچ کس نمی‌تواند او را بدون مجوز شرعی از تصرفات منع کند. به عبارت دیگر بنابراین قاعده اصل بر آن است که همه گونه تصرفات برای مالک مجاز است، مگر آنکه به موجب دلیل شرعی خلاف آن اثبات شود.

این قاعده توسط آیات، روایات و سیره عقلا اثبات شده است (انصاری، ۱۳۷۴: ۳۲۰). مفاد این قاعده دارای دو بعد اثباتی و سلبی است که جنبه‌ی سلبی آن در رابطه با موضوع ما یعنی حمایت از حریم خصوصی است. جنبه اثباتی آن عبارت است از تشخیص مالکیت و مطلق بودن آن (احمدلو، ۱۳۹۲: ۱۶۰)؛ اما از لحاظ جنبه سلبی، این قاعده به معنای آن است که تصرفات دیگران در اموال مالک بدون اذن و رضایت او یا منع و مزاحمت آنان نسبت به تصرفات او ممنوع و غیرمشروع است و چنانچه سلطه‌ی مالکانه شخصی موجب تعرض و مزاحمت گردد، مزاحم ضامن و مسؤول جبران است. چنانچه که در حقوق آمریکا از این قاعده به عنوان حق تصرف و استفاده از اموال خویش و اختیار هرگونه اقدام نسبت به آن (Legal right of possession, use and power of disposition) نام برده می‌شود. حق تصرف به این معناست که مالک حق هرگونه دخالت در اموال خویش را به هر نحوی که بخواهد دارد و به موجب آن می‌تواند دیگران را از دخالت در حوزه و حریم اموال خود خارج ساخته، مانع از تعرض ایشان به آن گردد. حق استفاده به معنای حق بهره‌برداری مالکانه از اموال است، به طوری که دیگران نمی‌توانند وی را به شیوه‌ای خاص برای بهره‌برداری از آن ملتزم سازند. حق و اختیار هرگونه اقدام نسبت به اموال خویش نیز به معنای حق انعقاد

هرگونه قرارداد برای انتقال اموال خود اعم از فروش، اجاره، صلح، وصیت و غیره است (ژوزف^{۴۷}، ۲۰۱۰: ۱).

هر آنچه که در مورد اموال صادق است، با مورد حریم نیز انطباق دارد. در کتب قواعد فقهیه از قاعده‌ای یاد می‌شود با عنوان «الحریم له حکم ما هو حریم له» که دلالت دارد همان‌گونه که در اموال تصرف جایز نیست، در حریم نیز چنین است.^{۴۸}

روشن است که سلطنت آدمی بر خویشتن اولی و برتر از سلطنت او بر اموال است. اگر تصرف در اموال بدون رضایت ناروا و حرام باشد، احضار، توقیف، حبس و ... که تصرف در جسم و جان است و همچنین تصرف در سایر حیطه‌های خصوصی نیز به طریق اولی حرام و ناپسند خواهد بود. اما نکته‌ی مهمی که در خصوص قاعده تسلیط باید گفته شود این است که این قاعده استثنائاتی دارد، یکی از آن استثنائات بدین شرح است: اگر مصلحتی بالاتر وجود داشته باشد، می‌توان مخالف با این قاعده عمل نمود؛ به طور مثال وقتی مصالح عمومی ایجاب نماید که ورود به حریم خصوصی شهروندان صورت گیرد این امر مجاز خواهد بود. لازم به ذکر است که در این گونه موارد، جواز ورود فقط مخصوص مراجع ذیصلاح مشخص شده توسط قانون خواهد بود و این امر باید با نهایت احتیاط و با رعایت شئونات و اخلاق اسلامی صورت پذیرد.

۳.۶. قاعده صحت و اصل اباحه

قاعده یا اصل صحت و به اصطلاح فقیهان اصالة الصحة از قواعد بسیار مهم فقهی است که کاربرد فراوان دارد و به اشکال گوناگون مورد استفاده قرار گرفته است (احمدلو، ۱۳۹۲: ۱۵۹). مهم‌ترین دلیل فقها جهت استناد به این قاعده بنای عقلا از جمیع ملل و ادیان می‌باشد و شارع مقدس نه تنها این سیره و روش را منع نکرده است، بلکه آن را امضا نیز نموده است و می‌توان ادعا نمود که عدم اعتبار این اصل موجب اختلال نظام جامعه است (انصاری، ۱۳۷۴: ۴۱۶).

این اصل به معانی مختلفی استعمال شده است، لیکن مشهورترین آن‌ها، اصل صحت به مفهوم جواز تکلیفی و اصل صحت به مفهوم وضعی است. اصل صحت به

معنای وضعی مقابل فساد است و یک حکم وضعی است؛ در این معنا نوع تلقی نسبت به اعمال دیگران در ایفا یا اسقاط تکالیف و تنظیم روابط عبادی یا حقوقی مؤثر است (احمدلو، ۱۳۹۲: ۱۵۹). اما منظور از اصل صحت به معنای جواز تکلیفی آن است که اعمال دیگران را اصولاً باید صحیح، مشروع و حلال تلقی کرد و مادام که دلیلی بر عدم صحت وجود نداشته باشد، هیچ کس حق ندارد در صورت دوران امر بین احتمال صحت و مشروعیت از یک طرف و عدم صحت و عدم مشروعیت از طرف دیگر اعمال افراد را نامشروع و غیرصحیح بیندارد (محقق داماد، ۱۳۸۸: ۱۹۵). این اصل مبتنی بر مصالح مسلمین است؛ زیرا چنانچه در زندگی روزمره اصل را بر فساد قرار دهیم و در کلیه اعمال و افعال مردم تفحص و تجسس کنیم و با هر پدیده‌ای با شک و تردید مواجه شویم قوام و استقرار نظام مدنیت از میان می‌رود و مردم در امور روزمره خود با اشکالات کلی روبه‌رو خواهند شد.

بنابراین مراجع تعقیب نیز نمی‌توانند به بهانه کشف جرایم و جمع‌آوری ادله مبادرت به نقض حریم خصوصی افراد کنند. با قرار دادن اصل، بر صحت افعال مردم، تفحص و تجسس در زندگی آنان ممنوع گشته و در نتیجه حریم خصوصی آنها محفوظ از هرگونه کنکاشی قرار می‌گیرد که در راستای شک و تردید انجام می‌پذیرد. در نتیجه می‌توان گفت که «اصل صحت» یکی دیگر از مبانی ممنوعیت نقض حریم خصوصی در حقوق ایران محسوب می‌گردد.

این قاعده در حقوق آمریکا به طور مختصر و در خصوص کنترل و بررسی اطلاعات شخصی افراد مورد قبول قرار گرفته است؛ بدین نحو که در صورتی که افراد اطلاعات شخصی خود را جهت استفاده در موارد مختلف به مأموران ارائه می‌دهند، مأموران مذکور اجازه تفتیش و تجسس بیشتر در خصوص صحت اطلاعات دریافتی ندارند، چراکه اصل بر صحت (accuracy) این اطلاعات گذاشته شده است (بوتا و بون^{۴۹}، ۲۰۰۳: ۳۰).

نکته قابل ذکر این است که در حقوق اسلام اصل صحت به مفهوم جواز تکلیفی به اصل اباحه نزدیک می‌گردد. معنای اصل اباحه آن است که انسان نسبت به اشیاء موجود در خارج هرگونه دخل و تصرفی را می‌تواند داشته باشد؛ مگر در مواردی که

دلیلی بر منع، وارد گردد. پس هرگاه در حلال یا حرام بودن چیزی شک کردیم با اجرای اصل حلیت حکم به حلال بودن آن می‌کنیم. از طرفی این اصل با مباح اعلام کردن افعال مردم در زمانی که منعی بر عدم آن نباشد، همانند اصل صحت مانع از شک و تردید و کنکاش در رفتار انسان‌ها و در نتیجه نقض حریم خصوصی آنان توسط مقامات تعقیب می‌گردد و از طرف دیگر با توجه به اینکه تصرف در حریم خصوصی اشخاص توسط آیات قرآن و روایاتی متعدد و همچنین، قوانین موجود ممنوع اعلام گشته است، تصرف در این حریم انسانی، بر طبق اصل اباحه نیز ممنوع خواهد بود. پس می‌توان گفت که اصل اباحه نیز در کنار اصل صحت می‌تواند یکی از مبانی ممنوعیت نقض حریم خصوصی محسوب گردد.

۳.۷. قاعده احترام مال مردم

قاعده احترام یکی دیگر از مبانی شناسایی حق بر حریم خصوصی در فقه اسلامی است (قنواتی، ۱۳۹۰: ۱). مقصود از قاعده احترام مال مردم، مصونیت اموال آنان از تعدی و تفریط است؛ بدین معنا که اولاً، تعدی و تجاوز نسبت به آن‌ها جایز نیست و ثانیاً بر فرض وقوع تعدی و تجاوز، متجاوز ضامن است (محقق داماد، ۱۳۸۸: ۲۱۳). این قاعده از روایات مربوط به احترام مال مسلمان به ویژه روایت موثق ابی بصیر از امام صادق (ع) مستفاد می‌شود که فرمودند: «رسول الله (ص) می‌فرماید: سباب المؤمن فسوق ... حرمة ماله كحرمة دمه». در قسمت آخر این روایت پیامبر اکرم مال مسلمان را مانند خون او محترم دانسته‌اند.^{۵۰} بنابراین مستفاد از این قاعده هرگونه نفوذ به اموال مردم که یکی از مصادیق حریم خصوصی است جایز نیست و متعدی ضامن خسارت وارده خواهد بود. همان‌طور که در قاعده تسلیط نیز گفته شد، اگر تصرف در اموال بدون رضایت مالک حرام است، به طریق اولی تصرف در جسم و جان و همچنین در سایر حیظه‌های شخصی که ممکن است به افشای مسایل خصوصی افراد بینجامد و حیثیت، آبرو و شخصیت انسانی را که از ارزش بسیار والاتری از اموال برخوردار است مورد لطمه قرار دهد، حرام و ناپسند خواهد بود و متجاوز ضامن خسارت‌های مادی و معنوی آن است. در نتیجه از این قاعده نیز دلیلی دیگر بر لزوم

حمایت از حریم خصوصی اشخاص استنباط می‌شود.

به نظر می‌رسد قاعده احترام جامع‌ترین مبنای حمایت از حریم خصوصی است؛ زیرا هم جنبه‌های مادی حریم خصوصی و هم جنبه‌های مرتبط با حیثیات معنوی حریم خصوصی در دامنه شمول این مبنا قرار می‌گیرد. بر این اساس دیدگاهی که در صدد توجیه حریم خصوصی در قالب مالکیت بر حریم خصوصی است با بخشی از قاعده منطبق می‌شود که در صدد حمایت از جنبه‌های مالی اشخاص است و سخن آن دسته از افرادی که بر کرامت انسانی و شأن انسانی تکیه دارند با بخش دیگر قاعده منطبق می‌باشد که بر حرمت و احترام شؤون معنوی و آبروی اشخاص تأکید دارند (قنواتی و جاویر، ۱۳۹۰: ۱).

این قاعده در حقوق آمریکا به عنوان یکی از موارد تحدید آزادی شهروندان آمریکایی شناخته می‌شود؛ بدین گونه که هر انسانی در همه موارد دارای آزادی است، اما قلمرو گسترده آزادی وی تنها زمانی محدود می‌گردد که با حق آزادی دیگران تعارض پیدا کند. لذا، شهروندان آمریکایی نمی‌توانند از این حق خود سوء استفاده کرده، به طوری که از آن به عنوان ابزاری در جهت ایراد ضرر و زیان بر دیگری استفاده کنند. لذا همه ملتزم به احترام مال دیگران هستند.

۴. نتیجه‌گیری

به طور کلی در تعریف حریم خصوصی می‌توان گفت: «حریم خصوصی بخشی از زندگی انسان است که عرفاً و قانوناً هرگونه ورود، نظارت، کنترل و کسب اطلاع راجع به آن صرفاً باید با اذن شخص صاحب حق صورت گیرد، مگر در موارد مصرح قانونی». در مواردی نقض حریم خصوصی افراد به هلاکت آن‌ها منجر می‌شود. لذا بی‌توجهی به مبانی ممنوعیت نقض حریم خصوصی منجر به اشاعه این عمل ناپسند می‌گردد، به گونه‌ای که همه محققان، اساتید دانشگاه، فیلسوفان و خبرنگاران را بر آن می‌دارد تا به تحقیق و چاره‌جویی درباره آن بپردازند.

مبانی ممنوعیت نقض حریم خصوصی در حقوق ایران را می‌توان حفظ کرامت

انسانی، جلوگیری از عادی شدن و شیوع بدی‌ها، قاعده تسلیط، قاعده صحت، قاعده احترام، تحدید اختیارات دولت و ارزش‌های اخلاقی دانست. حریم خصوصی ارتباط تنگاتنگی با کرامت انسانی دارد. تکریم تمامیت مادی و معنوی انسان در سایه رعایت حق حریم خصوصی و یک فضای لازم جهت رشد و تکامل شخصیت افراد میسر است. همچنین نفوذ به حریم خصوصی افراد موجب ریخته شدن آبروی آن‌ها می‌گردد؛ موضوعی که در روایات با عنوان حرمت ریختن آبروی مؤمنین نهی گردیده است؛ چراکه علاوه بر نکوهیده بودن عمل، موجب اشاعه مفسده در جامعه می‌گردد. قاعده تسلیط بیانگر این است که تصرفات در اموال و حریم انسان بدون اذن و رضایت او یا مزاحمت آنان نسبت به تصرفات او ممنوع است؛ چراکه تنها اوست که بر تصرفاتش مسلط است. اصل صحت نیز بر ممنوعیت تجسس صحه می‌گذارد؛ چراکه اصل بر درستی رفتار و کردار انسان‌هاست و هیچ‌کس حق سوء ظن بی‌جهت به دیگری ندارد و مجاز نیست در جهت کشف مفسده گام بردارد. قاعده احترام نیز که هم جنبه‌های مادی حریم خصوصی و هم جنبه‌های مرتبط با حیثیات معنوی را شامل می‌شود، نفوذ به حدود حیثیات مادی و معنوی مردم را ممنوع می‌دارد. همچنین رعایت حریم خصوصی به عنوان یک ارزش اخلاقی دائم در تمامی سیستم‌های اخلاقی شناخته شده است؛ به گونه‌ای که حمایت از این حریم هم در زمره ارزش‌های حقوقی و هم ارزش‌های اخلاقی قرار می‌گیرد. اما آخرین مبنای ممنوعیت نقض حریم خصوصی در حقوق ایران را می‌توان تحدید اختیارات دولت دانست؛ اگر قدرت دولت از طریق قوانین محدود نگردد و بدون حد و مرز رها شود، فرد فدای مصلحت و امیال قدرت سیاسی می‌گردد، لذا شاهد افزایش بیش از پیش نقض حریم خصوصی خواهیم بود.

اما مبانی ممنوعیت نقض حریم خصوصی در حقوق آمریکا را می‌توان علاوه بر ارزش‌های اخلاقی و تحدید اختیارات دولت، حقوق بشر و لیبرالیسم دانست. اهمیتی که منادیان حقوق بشر برای حریم خصوصی قائل شده‌اند، با اهمیت و ارزش انسان برابری می‌کند؛ به گونه‌ای که این حق در همه مقررات حقوق بشری مورد حمایت قرار گرفته است.

به طور کلی می‌توان در خصوص حمایت از حریم خصوصی در دو کشور ایران و

آمریکا چنین گفت که در حقوق ایران قوانین صریح حمایت از حریم خصوصی کمتر از ایالات متحده آمریکا وجود دارد و همین امر می‌تواند زمینه تعرض به حریم خصوصی اشخاص را ایجاد نماید. هرچند که مصادیق مختلف حریم خصوصی اشخاص با مبانی مستحکمی مورد حمایت واقع شده است اما این مبانی جنبه کاربردی به خود نگرفته است. در حقوق آمریکا نیز قوانین صریح حمایت از حریم خصوصی بیشتر از ایران وجود دارد، اما هژمونی قدرت در سیاست حاکم بر این کشور و بهانه حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ مانع از آن گردیده که به مبانی حمایت از حریم خصوصی آن چنان که بایسته است اعتنا گردد و به ادعای خود مبنی بر حمایت از آزادی‌ها و حقوق بشر جامه عمل بپوشند.

پی‌نوشت‌ها

- ^۱. Katz v. United States
- ^۲. Harper
- ^۳. The 1974 Privacy Act
- ^۴. The 1986 Electronic Communication Privacy Act (ECPA)
- ^۵. The 1994 Driver's Privacy Protection Act
- ^۶. The 2000 Children's Online Privacy Protection
- ^۷. Schwartz and Solove

^۸. جهت کسب اطلاع بیشتر در خصوص این توافق‌نامه ر.ک:

C. Dowling, Donald, op.cit, pp.11-18.

^۹. 2002 Homeland Security Act or Patriot Act

^{۱۰}. See: C. Dowling, Donald, op.cit, pp.20-33.

^{۱۱}. Sotto

^{۱۲}. موضوع حریم در کتاب من لایحضره الفقیه در ضمن مبحث قضا یا و احکام و در تذکره الفقها در مبحث احیای موات آمده است. جهت کسب اطلاع بیشتر ر.ک: شیخ صدوق، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، قم، ج ۳، ص ۱۰۱ و علامه حلی، حسن بن یوسف، تذکره الفقها، ج ۲، ص ۴۱۰.

^{۱۳}. Edward j. Bloustein

^{۱۴}. olmstead v. united states

^{۱۵}. property rights

^{۱۶}. trespassory approach

^{۱۷}. Katz v. United states

^{۱۸}. Expectation of privacy

^{۱۹}. Acker and Brody

^{۲۰}. لازم به ذکر است، شورای اروپا نیز در قطعنامه‌ای به تعریف حریم خصوصی پرداخته است. در این قطعنامه آمده است: «حریم خصوصی مربوط می‌شود به زندگی خصوصی، خانواده، مسکن، تمامیت جسمانی و روحی، آبرو، اعتبار و شهرت و حیثیت افراد، اجتناب از این‌که چهره‌ای کاذب از افراد ساخته شود، افشا نکردن وقایع و حقایق نامربوط و آزاردهنده، عدم افشای غیرمجاز تصاویر خصوصی، حمایت از عدم افشای اطلاعاتی که بر اثر اعتماد اشخاص به دست آورده‌اند یا در اختیار آنها قرار گرفته است.» برای مطالعه متن کامل این قطعنامه ر.ک:

Resolution 428 (1970) of the consultative (parliamentary) Assembly of the council of Europe cons. ass. 21st ordinary session (3rd part) text adopted 1970

^{۲۱}. برای مثال بند هفتم فرمان هشت ماده‌ای حضرت امام و همچنین تبصره ماده ۱۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸

^{۲۲}. سرفصل‌های این لایحه به "حریم خصوصی جسمانی"، "حریم خصوصی اماکن و منازل"، "حریم خصوصی در محل کار"، "حریم خصوصی اطلاعات"، "اطلاعات شخصی در فعالیتهای رسانه‌ای"، "حریم خصوصی ارتباطات" و "مسئولیت‌های ناشی از نقض حریم خصوصی" اختصاص دارد.

این طرح که ابتدا به صورت لایحه به وسیله معاونت حقوقی و پارلمانی دولت هشتم تهیه شده بود پس از استرداد آن از طرف دولت نهم، متعاقباً به صورت طرح توسط تعدادی از نمایندگان ارایه گردیده لیکن هنوز به تصویب نهایی نرسیده است.

^{۲۳}. در اصولی از قانون اساسی مانند اصول ۱۹، ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۳۰، ۳۲، ۳۳، ۳۵، ۳۸، ۴۰ و ۴۲ و در مواردی از قانون آئین دادرسی کیفری مانند مواد ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۱۰۰، ۱۰۳ و ۱۰۴ و نیز در سایر قوانین مانند قانون مجازات اسلامی و قانون حقوق شهروندی، حمایت‌هایی از این حق شده است.

^{۲۴}. در این قبیل جوامع، منافع حکومت و منطق سیاست، ماهیت هریک از این ارزش‌ها را از اساس دگرگون می‌کند؛ تا آن حد که اخلاق مشترک از محتوا تهی می‌گردد و میان حاکم و تابع حقوق فاصله‌ای عمیق به وجود می‌آید.

^{۲۵}. Griswold v. Connecticut

^{۲۶}. Michelfelder

^{۲۷}. این قانون که ۴۵ روز پس از جریان یازده سپتامبر به تصویب سنای آمریکا رسید، بسیاری از قوانین راجع به حریم خصوصی در بخش‌های مختلف را اصلاح کرد. (برای اطلاع بیشتر ر.ک: آقا بابایی، حسین، لیبرالیسم حریم خصوصی و قانون پاتریوت، فصل‌نامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰، ۱۳۸۹، ص ۶).

^{۲۸}. Department of Labor

^{۲۹}. Chisam

^{۳۰}. Hoofnagle

^{۳۱}. Florida v. Riely

^{۳۲}. Helicopter

^{۳۳}. Nissenbaum

^{۳۴}. Totaliter

^{۳۵}. هرچند که برخی از نظام‌های سیاسی مانند توتالیترها حریم خصوصی را حقی کاملاً مقید می‌دانند که دولت به راحتی می‌تواند در آن دخالت نماید، در مقابل اندیشه آنارشیستی معتقد است: «مرجعیت و قدرت سیاسی در هر شکلی نالازم و ناپسند است و لذا برافتادن هرگونه دولت و جایگزینی انجمن‌های آزاد و گروه‌های داوطلب به جای آن امری مطلوب تلقی می‌گردد». تز اصلی اندیشه آنارشیستی دفاع جدی از حریم خصوصی افراد حتی به قیمت حذف دولت است. بنابراین اندیشه آنارشیستی مدعی سرسخت دفاع از حریم خصوصی اشخاص است.

^{۳۶}. برای اطلاعات بیشتر ر.ک به: منصورنژاد، محمد، نظام اسلامی و حریم خصوصی شهروندان، حکومت اسلامی، سال دوازدهم، شماره دوم.

^{۳۷}. Catharine A. MacKinnon

^{۳۸}. Etzioni

^{۳۹}. ر.ک: آیه ۷۰ سوره اسرا و آیه ۱۳ سوره حجرات.

^{۴۰}. امام علی، حکمت ۴۲۹ نهج‌البلاغه.

^{۴۱}. Volio

^{۴۲}. Mendel

^{۴۳}. جهت کسب اطلاعات بیشتر در خصوص حمایت از حریم خصوصی به عنوان اقدامی در جهت حمایت از حقوق بشر ر.ک:

www.privacy international.org/article .shtml

^{۴۴}. از جمله ر.ک: ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر (احدی در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامتگاه یا مکاتبات خود نباید مورد مداخله خودسرانه واقع شود...)، ماده ۱۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (با همان مضمون) و ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی (با همان مضمون).

^{۴۵}. جهت کسب اطلاع بیشتر در این خصوص ر.ک:

Standler, Ronald B., Privacy Violations During Divorce in the USA, Jan 2012, p.7; Accessible in: www.rbs2.com/dprivacy.pdf

^{۴۶}. برای کسب اطلاعات بیشتر ر.ک به منصورنژاد، محمد، نظام اسلامی و حریم خصوصی شهروندان، حکومت اسلامی، سال دوازدهم، شماره دوم، ص ۲۳.

^{۴۷}. Jozsef

^{۴۸}. مهریزی، مهدی، به نقل از جلال الدین سیوطی، الاشباه و النظائر، ج ۱، صص ۲۸۶-۲۸۷.

^{۴۹}. Botha and Boon

^{۵۰}. شیخ کلینی، اصول کافی، باب سباب المومن، ج ۲، ص ۲۶۸.

منابع

الف. فارسی

- احمدلو، مونا (۱۳۹۲). *حریم خصوصی در فقه و حقوق ایران*. تهران: انتشارات مجد.
- احمدی، احمد (۱۳۸۷). "نقض حریم خصوصی، چالشی پیش روی پیش گیری وضعی از وقوع جرم". *فصلنامه مطالعات پیش گیری از جرم*، ۳: ۱۱۰-۷۷.
- انصاری، باقر (۱۳۸۳). "حریم خصوصی و حمایت از آن در حقوق اسلام، تطبیقی و ایران". *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، ۶۶: ۱-۵۴.
- ابراهیمی، شهرام (۱۳۹۱). *جرم شناسی پیشگیری*. تهران: انتشارات میزان.
- اسکندری، مصطفی (۱۳۸۹). "ماهیت و اهمیت حریم خصوصی". *مجله حکومت اسلامی*، ۴: ۱۷۶-۱۴۷.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۲). *آموزش دانش سیاسی*، تهران: انتشارات معاصر.
- بیتم، دیوید (۱۳۸۳). *دموکراسی و حقوق بشر*. ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- تدین، عباس (۱۳۸۸). *تحصیل دلیل در آیین دادرسی کیفری*. تهران: انتشارات میزان.
- حاجی ده‌آبادی، محمدعلی (۱۳۸۳). "امر به معروف و نهی از منکر و سیاست جنایی". *مجله فقه و حقوق*، ۱: ۷۷-۱۰۸.
- حسینی، سید محمد و متولی زاده نائینی، نفیسه (۱۳۹۱). "بررسی نظریه برچسب‌زنی با نگاه به منابع اسلامی"، *فصلنامه حقوق*، ۴۲: ۱۳۶-۱۱۷.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). *لغت نامه*. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- رحیمی نژاد، اسماعیل (۱۳۸۷). *کرامت ذاتی در حقوق کیفری*. تهران: انتشارات میزان.
- شهری‌باف، جعفر (۱۳۷۸). *تاریخ اجتماعی ایران در قرن ۱۳*. تهران: مؤسسه

فرهنگی رسا.

صادقی، محسن (۱۳۸۴). اصول حقوقی و جایگاه آن در حقوق موضوعه. تهران: انتشارات میزان.

صادقی، محمد هادی (۱۳۸۷). "بزه پوشی". مجله حقوقی دادگستری. ۷۳: ۲۸-۳۳.

طباطبایی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۸۲). آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

طوسی، محسن (۱۳۸۹)، "آموزه‌های دینی و نظریه برچسب زنی - تحلیل محتوای

گزاره‌های حدیثی". نشریه علوم حدیث. ۵۶: ۱۱۴-۱۴۲.

فلسفی، هدایت‌الله (۱۳۸۱-۱۳۸۰). "حق، صلح و منزلت انسانی تأملاتی در مفاهیم

قاعده حقوقی، ارزش اخلاقی و بشریت". مجله حقوقی بین‌المللی، ۲۶-۲۷:

۱۳۰-۵.

قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل (۱۳۸۵). بایسته‌های حقوق اساسی. تهران: نشر

میزان.

قنواتی، جلیل و جاوید، حسین (۱۳۹۰). "مبانی احترام در شناسایی و حمایت از

حریم خصوصی در حوزه ارتباطات". نشریه حقوق اسلامی. ۲۹: ۶۰-۳۳.

کونانی، سلمان، میر کمالی، علی رضا و امیرحشمتی، دیبا (۱۳۹۱). "برهم کنش

موازن حقوق بشر و سیاست جنایی امنیت‌گرا در افق قواعد حقوق بین‌الملل؛ با تأملی

بر قانون میهن‌پرستی آمریکا". فصلنامه علمی ترویجی مطالعات بین‌المللی پلیس. ۱۱:

۶۳-۴۱.

محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۸). قواعد فقه بخش مدنی، تهران: مرکز نشر

علوم اسلامی.

مصطفی‌زاده، فهیم (۱۳۸۵). شناخت و بررسی حق خلوت به عنوان یکی از

مصادیق حقوق شهروندی. تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.

مطهری، مرتضی (۱۳۶۲). تعلیم و تربیت در اسلام، تهران: انتشارات الزهرا.

موسی‌زاده، ابراهیم و مصطفی‌زاده، فهیم (۱۳۹۱). "نگاهی به مفهوم و مبانی حق

مبانی ممنوعیت نقض حریم خصوصی در حقوق ایران و آمریکا ۱۷۱

برحریم خصوصی در نظام حقوقی عرفی". فصلنامه بررسی‌های حقوق عمومی. ۲: ۶۸-۴۵.

نمک‌دوست تهرانی، حسن (۱۳۸۵). "اخلاق حرفه‌ای، حریم خصوصی و حق دسترسی به اطلاعات". مجله رسانه. ۶۶: ۲۳۲-۱۹۷.

نوبهار، رحیم (۱۳۸۷). حمایت کیفری از حوزه‌های عمومی و خصوصی. تهران: انتشارات جنگل.

هاشمی، سیدمحمد (۱۳۸۴). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران. تهران: نشر میزان.

ب. عربی

قرآن کریم

انصاری، شیخ مرتضی (۱۳۷۴). فرائد الاصول (الرسائل). قم: انتشارات مصطفوی.

علامه حلی، حسن بن یوسف، ایضاح الفوائد فی شرح اشکالات القواعد. قم: انتشارات حسین موسوی کرمانی.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

نجفی، محمد حسن (۱۹۸۱). جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام. بیروت: انتشارات محمود قوچانی.

ج. انگلیسی

Acker, James and Brody, David (2004). **criminal procedure**.

Jones and Bartlett publishers. 2nd edition.

Botha, Hanneri and Boon J.A (2003). **The Information**

\Audit: Principles and Guidelines, Department of Information Science, University of Pretoria, vol.53.

Chisam, Blake (2012). **DOL Threatens Personal and Commercial Privacy in Proposal Directed Against Skilled Foreign Nationals**, National Foundation for

- American Policy.
- Etzioni, Amitai (2014). **A Cyber Age Privacy Doctrine: A Liberal Communitarian Approach**, Journal of Law and Policy for the Information Society, 9 ISJLP.
- Harper, Jim (2008). **Reforming Fourth Amendment Privacy Doctrine**, American University Law Review, Vol.57.
- Hoofnagle, Chris (2010). **United States of America**, Center for Public Reform.
- Jozsef, Zsuzsanna (2010). **Principles of the American Real Property Law**, Karoli Gaspar University, Graduate Doctoral (Ph.D.) Program.
- Mendel, Toby and others (2012). **Global Survey on Internet Privacy and Freedom of Expression**, The United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization (UNESCO), Paris.
- Michelfelder, Diane (2001). **The Moral Value of Informational Privacy in Cyberspace**, Kluwer Academic Publishers, Netherlands.
- Nissenbaum, Helen (2000). **Protecting Privacy in an Information Age: The Problem of Privacy in Public**, Law and Philosophy, University Center for Human Values.
- Raban, Ofer (2014). **Capitalism, Liberalism and the Right to Privacy**, Tulane Law Review, Vol.86.
- Report on the Cross-Border Enforcement of Privacy Laws, Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD), Available on line at: www.oecd.org/sti/security-privacy, (last visited 25 january 2014).
- Schwartz, Paul M. and Solove, Daniel J. (2012). **Reworking Information Privacy Law**, The American Law Institute.
- Sotto, Lisa (2012). **Privacy Trends 2012**, The Case For Growin Accountability, Ernst & Young.
- Volio, F. (1981). **Legal Personality, Privacy and the Family**, The International Bill of Rights, Columbia University Press.